



حسین سلاح‌پوری

نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران

در طول یک دهه گذشته، میانگین رشد تجارت فرامرزی در سراسر جهان، حدود دوبرابر رشد تولید ناخالص جهانی بوده است؛ این یعنی اقتصاد دنیا هر روز بیشتر از روز قبل به تقسیم کار تخصصی در مقیاس جهانی و توسعه زنجیره ارزش تولید و تجارت فرامرزی وابسته می‌شود؛ اما متأسفانه سهم ایران از این سفره، کوچک است و مهم‌ترین دلایلی که موجب شده‌اند تاکنون نشانی از اصلاح و بهبود مشاهده نشود، به شرح ذیل هستند. نخست؛ ریسک سیاسی؛ ریسک سیاسی، اولین و ساده‌ترین پارامتری است که هر تاجر نوپایی در ساختن یک رابطه اقتصادی فرامرزی بزرگ و پایدار به آن فکر می‌کند. سرمایه‌گذاران و فعالان تجاری، هر اندازه که در توسعه کسب‌وکار ریسک‌پذیر باشند، در عرصه سیاست محتاط هستند. هر بار که انتشار خبری، ریسک افزایش تنش سیاسی میان ایران و کشورهای بزرگ منطقه را در محاسبات تاجر افزایش می‌دهد و هر بار که وقوع رویدادی سبب می‌شود تا کشورهای بزرگ و مهم منطقه، در پذیرش مهمانان ایرانی مانند قبل، شایق و گشاده‌رو نباشند، اولین چیزی که در این روند آسیب می‌بیند، برنامه‌های راهبردی تعریف همکاری تجاری میان فعالان اقتصادی کشورهاست و متأسفانه در مسیر ترمیم و احیای شرایط، برنامه‌های جدی و بلندمدت همکاری اقتصادی و تجاری، آخرین چیزی است که به وضعیت طبیعی باز می‌گردد. دوم؛ ارتباط با کانون‌های اصلی زنجیره ارزش جهانی تولید و تجارت؛ در جهان امروز، تجارت بین‌الملل در چارچوب نقش آفرینی در زنجیره ارزش جهانی تولید و تجارت درک می‌شود. کشورهای همسایه و همجوار ایران، هیچ‌یک در زمره کانون‌های اصلی زنجیره ارزش تولید و تجارت جهانی نیستند و هر یک برای بهره‌گیری مناسب از اهرم تجارت خارجی در رشد اقتصادی، روابط تجاری فرامرزی خود را بر محور تقویت ارتباط با کانون‌های اصلی و بزرگ این زنجیره، تعریف کرده‌اند. ضعف در تعریف روابط تجاری با قدرت‌های اقتصادی بزرگ سبب شده است تا همسایگان نیز در چارچوب استراتژی اقتصادی خود، وزن و اهمیت بالایی برای گسترش همکاری‌های تجاری با ایران قائل نباشند. سوم؛ عدم دسترسی به خدمات مالی بین‌المللی؛ تعریف همکاری‌های اقتصادی در قالب سرمایه‌گذاری و تجارت پایدار، نیازمند دسترسی به خدمات مالی بین‌المللی با کیفیت و حضور بازیگران بین‌المللی بازار خدمات مالی در کشور است. در باب FATF و تاثیر آن بر مقوله یادشده، پیش از این بسیار گفته شده است؛ اما علاوه بر این نکته، باید توجه کرد که حضور موثر بازیگران بین‌المللی در بازار خدمات مالی یک کشور (به‌خصوص اگر قرار باشد این حضور، یک‌گام فراتر از ارائه خدمات پرداخت و تسویه نقدی باشد) نیازمند سطحی از ثبات و تعادل در اقتصاد سیاسی و اقتصاد کلان کشور میزبان است. بماند که رویکرد ریسک‌گریزی نهادهای مالی در حال حاضر، بهره‌برداری راحت و بی‌دردسر از همان خدمات اولیه پرداخت و تسویه را نیز برای تاجر ایرانی با هزار زحمت فراهم می‌شود. چهارم؛ فضای کسب‌وکار؛ تجارت پایدار و ارزش آفرین، بر تقسیم کار تخصصی برای افزایش درجه پیچیدگی تولیدات متکی است و تحقق این مهم، نیازمند بهره‌مندی از خدمات مدیریت اقتصادی با کیفیت است. تنازری‌های اقتصاد کلان، دست‌اندازی دولت‌ها به نظام پولی، الگوی تعیین نرخ ارز، وضع موانع ساختاری واردات و صادرات، قیمت‌گذاری دستوری، توزیع یارانه و... در یک کلام، کیفیت پایین فضای کسب‌وکار از سوی دیگر، سبب شده است تا رشد اقتصادی پایدار مبتنی بر بهره‌وری و مقیاس‌پذیری و رقابت‌پذیری بین‌المللی در کسب‌وکارها که زیربنای مشارکت در تجارت بین‌المللی است، اصولاً برای بخش عمده‌ای از کسب‌وکارهای ایرانی بلاموضوع باشد. پنجم؛ فقدان زیرساخت اجتماعی؛ زیربنای روابط اقتصادی پایدار، پیوندهای اجتماعی و فرهنگی است. اگر می‌خواهید ببینید که ایران چقدر شناس دارد تا به رقیبی برای هاب‌های اصلی تجارت منطقه‌ای، یعنی ترکیه و امارات تبدیل شود، کافی است ببینید که هر یک از این کشورها (ایران، امارات و ترکیه) تا چه اندازه و برای چه گروه‌هایی از مخاطبان، مقصد گردشگری جذاب هستند. سال‌هاست که گروه‌هایی از سیاستگذاران و مدیران دولتی کشور، با نگاه به مزیت‌های ژئوپلیتیک ایران برای توسعه تجارت خارجی مبتنی بر ترانزیت، طرح می‌ریزند و احتمالاً نام پروژه «جاده ابریشم» هم تقویت‌کننده این امر است. اما واقعیت سرد و تلخ این است که امروز، برخلاف دوران مارکوپولو، «هنده‌س راه» دیگر مهم‌ترین مزیت تجارت خارجی مبتنی بر ترانزیت نیست و ارائه خدمات ارزش‌افزوده حوزه لجستیک و میزان توسعه یافتگی کسب‌وکارهای پردازش کالا و خدمات زیرساختی تجارت، به‌ویژه خدمات مالی و همچنین وجود زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی موثر بر کنترل سطح ریسک و کارایی توسعه شبکه، نقش بسیار پررنگ‌تری در تعریف مزیت‌های رقابتی برای تجارت خارجی، ترانزیت دارد. پرده‌های ایرانی برای ترانزیت و تجارت فرامرزی هر چند بالقوه، از هندسه بسیار مطلوبی برخوردارند؛ اما در فقدان عوامل حامی و مقوم تجارت، دچار ضعف‌هایی هستند که حتی همان فضای چینی هم از سرمایه‌گذاری جدی روی آن ابا دارند. طرح این موضوعات، صدالبته به معنای نادیده گرفتن ظرفیت‌ها و توانایی‌های کشور در جهت توسعه تجارت فرامرزی نیست؛ اما بدون در نظر گرفتن واقعیت‌ها و بی‌عملی در اصلاح مشکلات کشور برای توسعه تجارت خارجی، تنها به از دست رفتن بیشتر فرصت‌ها منجر خواهد شد.

دکتر بهمن آرمان در گفت و گو با «آرمان ملی»:

آیا رئیسی اقتصاددانان را به خط کرده است؟

رئیس‌ی از تکنوکرات‌ها در دولت خود استفاده نمی‌کند

ارز ۴۲۰۰ تومانی به منبع فساد تبدیل شده بود

اصلاحات اقتصادی دولت سطحی بود

مدیریت دوران هاشمی در کمتر دولتی تکرار شد

جراحی اقتصادی بدون درد و خونریزی امکان‌پذیر نیست



آرمان ملی - احسان انصاری: «آقای رئیسی در کمپین انتخاباتی خود عنوان کردند برای حل مشکلات اقتصادی همه اقتصاددانان را به خط می‌کند تا مشکلات مردم را حل کنند. امروز این سوال مطرح است که آیا در واقع آقای رئیسی اقتصاددانان را به خط کرده است؟ آیا آقای رئیسی با اقتصاددانان کشور مشورت کرده و با مشورت و خردجمعی تصمیم گرفته است؟» جملات ذکر شده دیدگاه‌های دکتر بهمن آرمان در گفت و گو با «آرمان ملی» در زمینه اصلاحات اقتصادی دولت و چشم‌انداز پیش‌رو است. دکتر آرمان در این گفت و گو به مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی اقتصادی دولت اشاره می‌کند که ماحصل این گفت و گو را در ادامه می‌خوانید.

طولانی شدن مذاکرات هسته‌ای و بردناشته شدن تحریم‌ها به غم و عده‌هایی که دولت در این زمینه داد چه تاثیری در چشم‌انداز آینده اقتصاد کشور خواهد داشت؟

باید به این واقعیت اذعان کرد که تنش‌های موجود در روابط خارجی ایران همچنان به‌عنوان مانع مهمی در ارتباط اقتصاد ایران با کشورهای جهان و همچنین بهبود وضعیت اقتصادی مردم وجود دارد. ما از نیمه دولت اصلاحات تا امروز دارای پایین‌ترین میزان سرمایه‌گذاری نسبت به تولید ناخالصی کشور هستیم. این اتفاق درباره همسایه‌های ما وجود ندارد. ایران به‌رغم اینکه قیمت نفت افزایش پیدا کرده و قادر به صادرات نفت خود نیز نیستیم و از شرایطی که در بازارهایی جهانی به‌وجود آمده استفاده چندانی نمی‌کنیم. به دلیل سرمایه‌گذاری‌هایی که کشورهای اروپایی و آمریکایی در کشت فرا سرزمینی اوکراین و روسیه انجام داده‌اند و شوروی سابق که یکی از واردکننده‌های بزرگ گندم و غلات در جهان بود شرایط به شکلی است که اوکراین به‌تنهایی صادرکننده نزدیک به ۳۵ درصد دانه‌های روغنی جهان است. در نتیجه در شرایط کنونی به دلیل جنگی که در اوکراین به‌وجود آمده حتی در کشورهای اروپایی نیز روغن نباتی وجود ندارد و مردم اروپا در این زمینه با مشکلات جدی مواجه هستند. در ظاهر گفته می‌شود که ایران در مذاکرات به دنبال بر داشته شدن تحریم‌هاست. با این وجود به این نکته اشاره نمی‌شود که ایران کشوری است که صادرکننده مواد خام به جهان است و به دلیل تحریم‌ها توانایی این را ندارد که به‌رغم اینکه بزرگ‌ترین تولیدکننده زعفران جهان است آن را با برنده خود به بازار جهانی عرضه کند. ما ناچار هستیم با توجه به تکنولوژی‌هایی که فعلاً فقط در اختیار کشورهای غربی است بین ۵ تا ۷ میلیارد مترمکعب آب دریا شیرین‌سازی و به فلات مرکزی ایران منتقل کنیم. تاریخ خاورمیانه نیز نشان داده که بر اثر خشکسالی‌های مداوم برخی از تمدن‌ها از بین رفته‌اند. خشکسالی امروز کشور را شدیداً تهدید می‌کند. سرنوشته آینده ایران به مذاکرات هسته‌ای گره خورده است. ایران کشوری است که دارای یک موقعیت استثنایی در زمینه ترانزیت است. برخی از کارشناسان بر جسته‌بین‌المللی عنوان می‌کنند که چنانچه موقعیت ترانزیتی ایران در حال احیا شدن باشد و از بندر چابهار به آسیای میانه و از طریق بندر امام به مرز بازرگان متصل شود که دروازه ورود به اتحادیه اروپاست در عمل کانال سوئز از حیث‌انتفاع می‌افتد. از سوی دیگر کشورهای غربی نیز شاید از نظر اقتصادی از این تغییر استقبال کنند اما کشوری مانند مصر دوست ندارد موقعیت ترانزیتی که به‌واسطه کانال سوئز دارد را به ایران منتقل کند. چینی‌ها نیز به دنبال منابع غنی افغانستان هستند که در شرایط کنونی در اختیار طالبان قرار گرفته است. در این زمینه، چینی‌ها حتی حاضر هستند با طالبان وارد مذاکره شوند تا جاده ابریشم را به‌جای اینکه از مسیر سنتی خود یعنی ایران عبور بدهند به سمت افغانستان و پاکستان بکشاند تا منافعیان تأمین شود.

می‌کنند تا مردم در جریان مسائل قرار داشته باشند. در شرایط کنونی قیمت بنزین در کشورهای اروپایی افزایش پیدا کرده و به دو یورو رسیده است. از سوی دیگر در آمریکا قیمت هر لیتر بنزین به پول ایران در حدود هفتاد هزار تومان است. در چنین شرایطی مشاهده می‌کنیم که مردم هیچ‌گونه اعتراضی نسبت به این وضعیت ندارند. دلیل این موضوع این است که دولت قبل از تصمیمات اقتصادی از طریق رسانه‌هایی که واقعیت‌ها را به مردم منتقل می‌کند جوانب مختلف قضیه به مردم گفته می‌شود و مردم در جریان تصمیم‌گیری‌های دولت قرار می‌گیرند. هنگامی که روسیه به اوکراین حمله کرد قیمت دانه‌های روغنی و گندم که در اوکراین تولید می‌شد و به کشورهای اروپایی صادر می‌شد افزایش پیدا کرد و به دلیل جنگ، کشورهای اروپایی در این زمینه با مشکل مواجه شدند. این در حالی است که پس از مدتی افکار عمومی کشورهای اروپایی توسط دولت نسبت به این وضعیت توجیه شدند.

چه پیامدهایی در آینده برای اقتصاد کشور داشت؟ آقای رئیسی در کمپین انتخاباتی خود عنوان کردند برای حل مشکلات اقتصادی همه اقتصاددانان را به خط می‌کند تا مشکلات مردم را حل کنند. امروز این سوال مطرح است که آیا در واقع آقای رئیسی اقتصاددانان را به خط کرده است؟ آیا رئیسی با اقتصاددانان کشور مشورت کرده و با مشورت و خرد جمعی تصمیم گرفته است و یا خیر؟ آیا سیستم‌های گزینش افراد این اجازه داده که تصمیماتی بگیرد که به سود اقتصاد کشور باشد؟ باید در نظر داشت که اقداماتی مانند اصلاحات اقتصادی نیازمند افرادی است که از توانایی تصمیم‌گیری در شرایط سخت برخوردار باشند.

اسرائیل با خود توافق هسته‌ای مخالف نیست. مخالف یک توافق بد است. اظهارات گانتس در حالی مطرح می‌شود که اخیراً، در برخی گزارش‌ها مطرح شده که یائیر لاپید، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی و نخست‌وزیر گردشی این رژیم از جوذب‌پورل به‌خاطر رایزنی‌هایش در ایران جهت برطرف کردن آخرین موانع سر راه از سرگیری مذاکرات برجامی به تندی انتقاد کرده است. علاوه بر این، روزنامه تایمز اسرائیل در گزارشی نوشت که مقامات ارشد نظامی این رژیم بر سر موضوع اسرائیل در مذاکرات احیای توافق هسته‌ای ایران اختلاف دارند.

یکی از شعارهای اصلی آقای رئیسی در مبارزات انتخاباتی مقابله با گرانی بود. این در حالی است که در طول یک سال گذشته نه تنها گرانی‌ها کنترل نشد، بلکه افزایش نیز داشته و تورم به بالاترین میزان خود پس از انقلاب رسیده است. چرا دولت در مسیری حرکت کرد که برخلاف وعده‌هایی بود که به مردم داده بود؟

هنگامی که آقای رئیسی به ریاست جمهوری رسیدند وضعیت اقتصاد ایران براساس سوءمدیریت‌ها و ضعف مدیریت‌ها در شرایط خوبی قرار نداشت. به همین دلیل آقای رئیسی تلاش کرد این وضعیت را تغییر دهد. با این وجود ایشان از افراد توانمندتری در تیم اقتصادی خود استفاده نکردند. در نتیجه گرانی‌ها نه تنها کنترل نشد و بلکه بیشتر نیز شد. از سوی دیگر دولت رئیسی رویکرد نزدیکی به کشورهای شرق و از جمله روسیه و چین را در دستور کار قرار داد. رویکردی که در شرایط کنونی شکل جالبی به خود گرفته و ما شاهد هستیم هنگامی که وزیر خارجه روسیه به ایران سفر می‌کند آقای امیر عبداللهدیان عنوان می‌کند که برجام باید به شکلی حاصل شود که منافع روسیه نیز در آن تأمین شود. واقعیت این است که برخی از مدیران از توانایی کافی برای حل مشکلات برخوردار نیستند. وضعیت به شکلی است که ما در وزارتخانه‌هایی مانند صمت، اقتصاد و نیرو شاهد ضعف‌هایی مدیریتی هستیم. مدیران این سه وزارتخانه برخی موضوعاتی را مطرح می‌کنند که غیرعلمی است.

آیا دولت توانایی انجام کارهای بزرگ را دارد؟ برای انجام کارهای بزرگ نیاز به افراد بزرگ وجود دارد که بتوانند تصمیمات بزرگ بگیرند. من در اینجا یک خاطره از نحوه مدیریت دولت در زمان آقای هاشمی نقل می‌کنم. دولت آقای هاشمی برای راه‌اندازی شرکت فولاد مبارک نیاز به ۱۰۰ هزار میلیارد ریال داشتیم. آقای هاشمی برای این کار وزیر مربوطه یعنی آقای محلوچی و مجری طرح را فراخواندند. ایشان گفتند سقف بودجه عمرانی برای تأمین این پول بر شده و در شرایط کنونی امکان پرداخت این پول وجود ندارد. با این وجود تصمیم‌گیران این است که فولاد مبارک حتماً راه‌اندازی شود و این اتفاق باید رخ بدهد. به همین دلیل خودتان برای این مسأله یک راه حل پیدا کنید تا دولت نیز حمایت کند. بعدها من این موضوع را از آقای محلوچی سوال کردم که شما چگونه در نهایت مشکل را حل کردید. وی به من گفت در یکی از جلسات دولت، موضوع را مطرح کردم و از وزرا و مدیران مربوطه خواستم این پول را در اختیار ما قرار بدهند که در نهایت نیز این اتفاق رخ داد و آقای هاشمی نیز حمایت کردند. به نظر من پس از دولت آقای هاشمی کمتر رئیس‌جمهوری وجود داشته که بتواند از نظر تصمیم‌گیری مانند ایشان باشد.

آقای رئیسی عنوان می‌کنند که اقتصاد کشور نیاز به اصلاحات دارد. به همین دلیل نیز اقداماتی به نام اصلاحات اقتصادی انجام دادند. اقدامات دولت با واکنش منفی بازار مواجه شد و قیمت‌ها به شکل افسارگسیخته‌ای افزایش پیدا کرد. دیدگاه شما درباره تصمیمات جدید دولت در زمینه اقتصادی چیست؟ اقداماتی که دولت در زمینه اصلاحات اقتصادی انجام داده‌اند در واقع نوعی جراحی اقتصادی سطحی بود. این در حالی است که اقتصاد ایران نیاز به اصلاحات اقتصادی جدی

رژیم صهیونیستی: بنی گانتس، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در آستانه از سرگیری مذاکرات برجامی، گفت که رژیم اسرائیل با قدرت‌های جهانی بر سر هر توافقی که از مذاکرات هسته‌ای با ایران حاصل شود، همکاری خواهد کرد. ایران و آمریکا قرار است از وقفه‌ای چند ماهه، در هفته جاری در قطر با تسهیل‌گری اتحادیه اروپا، مذاکرات

مخالف توافق هسته‌ای نیستیم با «توافق بد» مشکل داریم گانتس در این باره گفت: ما از سرگیری مورد انتظار یا احتمالی مذاکرات هسته‌ای، ما به همکاری با آمریکا و دیگر کشورها برای تعیین موضع‌مان و اعمال نفوذ بر انجام دادن توافق، اگر توافقی در کار باشد، ادامه خواهیم داد. ما افزود: جا دارد سفار سازی شود که

اگر بایند دنبال حل مساله است، ظرف یک ماه آینده باید توافق منعقد شود

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در ارزیابی نتایج سفر هماهنگ‌کننده برجام به ایران اظهار داشت: به‌طور کلی، اینکه در مذاکرات بین‌المللی طرفین توپ را در زمین یکدیگر بیندازند، امر بسیار رایجی است. طبیعتاً هر طرف اینگونه القا می‌کند که وظایفش را انجام داده، تا آنجا که ممکن بوده انعطاف به خرج داده و حال نوبت طرف مقابل است که سهم خود را ادا کند. ایران و آمریکا هم از این مقطع به بعد هر یک نسبت به طرف مقابل چنین موضعی را مطرح می‌کردند و همین هم موجب شده بود فرایند مذاکرات مدتی متوقف شود. حال، امروز هر دو طرف ظاهرآ سیگنال می‌دهند که حاضرند در راستای حل مساله گام دیگری بردارند. در نتیجه به نظر می‌رسد در هر دو طرف یک اراده سیاسی جان گرفته و همین هم راه را برای تلاشی دیگر بر سر میز مذاکرات هموار کرده است. رضانصری همچنین در این خصوص که با توجه به شرایط فعلی که دولت بایند دارد و نزدیکی به انتخابات کنگره، آیا می‌شود انتظار داشت که آمریکا بخواهد انعطافی در این حوزه انجام دهد، گفت: اگر بنا باشد دولت بایند مساله را حل کنند، باید در همین یک ماه آینده توافق منعقد شود؛ چراکه بعد از آن اگر توافق صورت بگیرد اجرای آن عملاً به بعد از انتخابات ماه نوامبر کنگره موکول خواهد شد و اگر در آن زمان جمهوری خواهان کنترل کنگره را در دست گرفته باشند، دولت بایند با موانع حقوقی و سیاسی بسیار پیچیده‌تری برای تأیید و اجرای آن مواجه خواهد شد. اما اگر پیش از انتخابات کنگره توافق حاصل شود، برای کنگره جمهوری خواه محصول انتخابات نظر سیاسی و حقوقی دشوارتر خواهد بود در مقابل سیاست خارجی مورد نظر قوه مجریه و موضع دولت‌های غربی متحد آمریکا، کارشکنی کند. مضاف براینکه اگر پس از توافق احیای برجام، یک فرایند دیپلماتیک و مذاکراتی موازی یا جدید در منطقه میان ایران و همسایگان نیز در جریان باشد، باز هم هزینه برهم‌زدن این ابتکار دیپلماتیک برای جمهوری خواهان بالا خواهد بود. پس «زمان» عامل بسیار مهمی است که شاید حتی در روی خوش نشان دادن دولت بایند هم موثر بوده است. وی در ارتباط با اینکه انتخاب قطر به عنوان محل جدید مذاکرات به چه معناست و قطر قرار است در مذاکرات چه نقشی ایفا کند، اظهار کرد: انتخاب مکان جدید مزایا و معایبی دارد. یکی از مزایای آن این است که به کشورهای عربی همسایه این پیام را می‌دهد که موفقیت در مذاکرات هسته‌ای بنا نیست به زبان آنها تمام شود. در واقع، یکی از نگرانی‌های کشورهای عربی منطقه همواره این بوده که موفقیت برجام و عادی‌سازی روابط تجاری ایران و جهان در میان‌مدت مولفه «قدرت اقتصادی» را نیز به سایر مولفه‌های قدرت سخت‌افزاری ایران اضافه خواهد کرد. نگرانی دیگر آنها این است که با موفقیت مذاکرات هسته‌ای، ایران و آمریکا یاد بگیرند اختلافاتشان را بر سر میز مذاکره کنند و این فرایند در نهایت به عادی‌سازی روابط تهران و واشنگتن منتهی شود و موجب شود آنها در مناسبات منطقه به حاشیه‌کشانده شوند. در چنین بستری، برگزاری مذاکرات در قطر می‌تواند سینگال مثبتی برای این کشورها تلقی شود به نحوی که نیت ایران را ایجاد یک «منطقه قوی» و نه یک «کشور قوی در یک منطقه ضعیف» ارزیابی کنند. نصری عنوان کرد: اما یکی از اشکالات برگزاری نشست در قطر می‌تواند پیامی منفی‌ای باشد که ممکن است چین و روسیه از آن دریافت کنند. در واقع، اگر برگزاری نشست در قطر موجب تمدن‌ها از بین رفته‌اند. خشکسالی امروز کشور را شدیداً تهدید می‌کند. سرنوشته آینده ایران به مذاکرات هسته‌ای گره خورده است. ایران کشوری است که دارای یک موقعیت استثنایی در زمینه ترانزیت است. برخی از کارشناسان بر جسته‌بین‌المللی عنوان می‌کنند که چنانچه موقعیت ترانزیتی ایران در حال احیا شدن باشد و از بندر چابهار به آسیای میانه و از طریق بندر امام به مرز بازرگان متصل شود که دروازه ورود به اتحادیه اروپاست در عمل کانال سوئز از حیث‌انتفاع می‌افتد. از سوی دیگر کشورهای غربی نیز شاید از نظر اقتصادی از این تغییر استقبال کنند اما کشوری مانند مصر دوست ندارد موقعیت ترانزیتی که به‌واسطه کانال سوئز دارد را به ایران منتقل کند. چینی‌ها نیز به دنبال منابع غنی افغانستان هستند که در شرایط کنونی در اختیار طالبان قرار گرفته است. در این زمینه، چینی‌ها حتی حاضر هستند با طالبان وارد مذاکره شوند تا جاده ابریشم را به‌جای اینکه از مسیر سنتی خود یعنی ایران عبور بدهند به سمت افغانستان و پاکستان بکشاند تا منافعیان تأمین شود.

طولانی شدن مذاکرات هسته‌ای و بردناشته شدن تحریم‌ها به غم و عده‌هایی که دولت در این زمینه داد چه تاثیری در چشم‌انداز آینده اقتصاد کشور خواهد داشت؟

باید به این واقعیت اذعان کرد که تنش‌های موجود در روابط خارجی ایران همچنان به‌عنوان مانع مهمی در ارتباط اقتصاد ایران با کشورهای جهان و همچنین بهبود وضعیت اقتصادی مردم وجود دارد. ما از نیمه دولت اصلاحات تا امروز دارای پایین‌ترین میزان سرمایه‌گذاری نسبت به تولید ناخالصی کشور هستیم. این اتفاق درباره همسایه‌های ما وجود ندارد. ایران به‌رغم اینکه قیمت نفت افزایش پیدا کرده و قادر به صادرات نفت خود نیز نیستیم و از شرایطی که در بازارهایی جهانی به‌وجود آمده استفاده چندانی نمی‌کنیم. به دلیل سرمایه‌گذاری‌هایی که کشورهای اروپایی و آمریکایی در کشت فرا سرزمینی اوکراین و روسیه انجام داده‌اند و شوروی سابق که یکی از واردکننده‌های بزرگ گندم و غلات در جهان بود شرایط به شکلی است که اوکراین به‌تنهایی صادرکننده نزدیک به ۳۵ درصد دانه‌های روغنی جهان است. در نتیجه در شرایط کنونی به دلیل جنگی که در اوکراین به‌وجود آمده حتی در کشورهای اروپایی نیز روغن نباتی وجود ندارد و مردم اروپا در این زمینه با مشکلات جدی مواجه هستند. در ظاهر گفته می‌شود که ایران در مذاکرات به دنبال بر داشته شدن تحریم‌هاست. با این وجود به این نکته اشاره نمی‌شود که ایران کشوری است که صادرکننده مواد خام به جهان است و به دلیل تحریم‌ها توانایی این را ندارد که به‌رغم اینکه بزرگ‌ترین تولیدکننده زعفران جهان است آن را با برنده خود به بازار جهانی عرضه کند. ما ناچار هستیم با توجه به تکنولوژی‌هایی که فعلاً فقط در اختیار کشورهای غربی است بین ۵ تا ۷ میلیارد مترمکعب آب دریا شیرین‌سازی و به فلات مرکزی ایران منتقل کنیم. تاریخ خاورمیانه نیز نشان داده که بر اثر خشکسالی‌های مداوم برخی از تمدن‌ها از بین رفته‌اند. خشکسالی امروز کشور را شدیداً تهدید می‌کند. سرنوشته آینده ایران به مذاکرات هسته‌ای گره خورده است. ایران کشوری است که دارای یک موقعیت استثنایی در زمینه ترانزیت است. برخی از کارشناسان بر جسته‌بین‌المللی عنوان می‌کنند که چنانچه موقعیت ترانزیتی ایران در حال احیا شدن باشد و از بندر چابهار به آسیای میانه و از طریق بندر امام به مرز بازرگان متصل شود که دروازه ورود به اتحادیه اروپاست در عمل کانال سوئز از حیث‌انتفاع می‌افتد. از سوی دیگر کشورهای غربی نیز شاید از نظر اقتصادی از این تغییر استقبال کنند اما کشوری مانند مصر دوست ندارد موقعیت ترانزیتی که به‌واسطه کانال سوئز دارد را به ایران منتقل کند. چینی‌ها نیز به دنبال منابع غنی افغانستان هستند که در شرایط کنونی در اختیار طالبان قرار گرفته است. در این زمینه، چینی‌ها حتی حاضر هستند با طالبان وارد مذاکره شوند تا جاده ابریشم را به‌جای اینکه از مسیر سنتی خود یعنی ایران عبور بدهند به سمت افغانستان و پاکستان بکشاند تا منافعیان تأمین شود.

FATF یک بحث انحرافی است

بحث مذاکرات از روز گذشته داغ شد. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، در ارزیابی خود از فضای مجمع جهت تصویب اف‌ای‌تی‌اف گفت: اف‌ای‌تی‌اف یک بحث انحرافی است چرا که تا موقعی تحریم‌ها برقرار باشد، هر گونه تادان به یک سلسله مقرراتی که دست و پای ما را می‌بندد و خروج از تحریم را برای ما مشکل‌تر می‌کند، خلاف است. اف‌ای‌تی‌اف از جمله موارد دست و پاگیر است و گونه اصل آنکه اشکال ندارد. مصطفی میرسلیم افزود: به عبارت دیگر انتقادی به این قضیه نیست که ما در مجموعه مقررات بانکی یا پولی ما با سایر کشورها هماهنگی داشته باشیم و اطلاعات خودمان را رد و بدل کنیم، این اقدام بسیار هم خوب است اما به شرطی که ما در تحریم نباشیم.

فهرست مطالب